روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۵ مهر ۱۳۹۹ • ۸ صفر ۱۴۴۲ • ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۲۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۳
اذان صبح فردا ۴:۳۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

ویژه‌برنامه شب‌های پرستاره در بهشت‌زهرا هم‌زمان با چهلمین سالگرد هشت سال دفاع مقدس، عکس: احمد ریاحی، فارس

پرنده آبی

نفر اول کنکور، بازمانده حمله طالبان

چند روزی است که شبکه‌های اجتماعی به تحسین دختری می‌پردازند که نفر اول کنکور افغانستان شده است. شمسیه بنت محمد نسیم از لیسه محمد آصف مایل کابل با کسب ۳۵۳.۱۸۵ نمره جایگاه اول را گرفته است. کنکوری که برگزاری‌اش چندان هم با توجه به مسائل کرونا و همین‌طور مخالفت‌های طالبان آسان نبود. در همین کنکور ۲۰۰ نفر از دختران در بدخشان به‌خاطر مخالفت طالبان نتوانستند بر سر جلسه حاضر شوند و در ایالت دیگر نیز دختران امکان شرکت را پیدا نکردند. یکی از این دختران در توییتر فیلمی از خود منتشر کرد و گفت: «ما کسانی هستیم که از پروسه کنکور بازماندیم و امیدوار هستیم که جناب رئیس‌جمهور ما را در این راستا کمک و یاری کند و زحمات ما را نادیده نگیرد».

اما با تمام این محدودیت‌ها در همین کنکور، نسبت دختران شرکت‌کننده از سال قبل ۳۰ درصد افزایش داشته است. شمسیه از بازماندگان حمله انتحاری به دوره آمادگی کنکور موعود در غرب کابل است؛ حمله‌ای که ده‌ها نفر دیگر در آن کشته و زخمی شدند. هرچند دانشجویان و علاقه‌مندان تحصیل هم شرایط مناسبی را برای آموزش و زندگی ندارند. دویچه‌وله گزارش عکسی از نحوه زندگی صدها دانشجو در دانشگاه بامیان منتشر کرده که از نداشتن مکان مناسب برای گذراندن شب و روزشان رنج می‌برند و در شرایط نامناسبی زندگی کرده و درس می‌خوانند؛ اما انتخاب شمسیه از منظر دیگری هم مورد توجه است. به گزارش یورونیوز بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی افغانستان این خبر را نشانه‌ای دانستند که تاریخ مصرف افکار طالبانی در افغانستان به سر آمده است و دیگر طالبان نمی‌تواند محدودیت‌های دوره حکمرانی خود را بر زنان تحمیل کند؛ زنانی که در این روزها به خاطر گفت‌وگوهای صلح به‌شدت نگران و پریشان هستند. زنانی که ویدئوی کتک‌خوردن آنها به خاطر دوچرخه‌سواری یا پوشش بسیاری را شوکه کرده است. حسن رضایی، جامعه‌شناس، دراین‌باره به یورونیوز می‌گوید: «در شرایط حساسی هستیم، از یک طرف جنبش‌های مدنی افغانستان به‌ویژه جنبش زنان تلاش می‌کنند که دیدگاه‌های‌شان در مذاکرات صلح منعکس شود تا یک‌بار دیگر شاهد روی‌کارآمدن رژیم سخت‌گیری مانند نظام طالبان در دهه ۹۰ قرن بیستم نباشیم و از سوی دیگر گروه‌های افراطی طرفدار سخت‌گیری دینی می‌خواهند با تهدید و ارعاب این صدای رسای جامعه مدنی و زنان افغانستان را خاموش کنند یا حداقل از میزان تأثیرگذاری بر روند مذاکرات صلح بکاهند». در شبکه‌های اجتماعی مدام زنان افغان از نگرانی‌های خود به خاطر قدرت‌گرفتن طالبان می‌نویسند؛ درحالی‌که دولت افغانستان و متحدان اروپایی و آمریکایی‌اش درباره اهمیت حقوق و آزادی‌های زنان در توافق صلح با طالبان هیچ اظهارنظر مشخصی نکرده است.

آکادمی

دانش و قانون

بابک زمانی
نورولوژیست

آیا با تصویب یک قانون ولو با اتفاق آرا می‌توان اصول بدیهی علمی را تغییر داد؟ آیا با مصوبات قانونی می‌توان جلوی چرخش زمین را گرفت یا بیوشیمی طبق قوانین حزب با پلتفرم آن حزب سازگار درآمد؟

اخیرا انجمنی «قانونی» به نام انجمن طب سنتی که هنوز معلوم نیست چگونه طبی است، هجمه‌ای توهین‌آمیز نسبت به اظهارات متولی رسمی دانش طب در کشور، یعنی معاونت فناوری وزارت بهداشت به عمل آورده است که عدم برخورد جدی با آن از طرف سایر بخش‌ها باعث نگرانی عمیق جوامع و انجمن‌های علمی پزشکی در کشور شده است. معاون فناوری پزشکی در کشور ما فقط یک سؤال جدی پرسیده بود که نسبت سنت با طب به ادعای ایشان چگونه ارتباطی است که در سایر زمینه‌ها مثل سفر، حمل‌ونقل، لباس‌پوشیدن و ارتباطات نمی‌توان این نسبت را برقرار کرد و انجمن «قانونی» طب سنتی به‌جای پاسخ به این پرسش اساسی به تندترین شکل ممکن فقط‌وفقط به این موضوع استناد کرده بود که در کشور نه‌تنها انجمنی برای این نوع طب به تصویب رسیده و عده زیادی به آن اشتغال دارند بلکه به‌طور رسمی بخشی از بدنه وزارت بهداشت را هم تشکیل می‌دهند. ناگفته پیداست که بدون پاسخ به سؤال اساسی فوق این توجیه مصداق عذر بدتر از گناه است؛ چراکه وظیفه هر انسان شرافتمند و عاقلی است که وقتی قانون با دانش در تقابل قرار می‌گیرد، در اصلاح آن قانون از مجاری قانونی تلاش کند و قاعدتا بخشی از بدنه دولت که در این زمینه مسئولیت دارد، بنابر وظیفه خود با طرح آن سؤال دارد در همین جهت زمینه‌سازی می‌کند. به‌این‌ترتیب به نظر می‌رسد ندادنِ پاسخ قاطع به مطالبی که انجمن مزبور مطرح کرده از طرف سایر بخش‌های وزارت معنایی ندارد جز آنکه در سایر بخش‌های وزارت ما هنوز تسویه‌حساب قطعی ذهنی با مسائل شبه‌علمی صورت نگرفته و بسیاری از مسئولان ممکن است در این زمینه‌ها دچار نوعی تساهل و تسامح لاادری‌گرایانه بسیار خطرناک باشند یا حتی در این‌گونه مسائل توهمات جدی داشته باشند. همچنین ایفانشدن وظیفه قانونی سازمان نظام پزشکی در برخورد با این مداخلات ویرانگر و تذکرندادن برای توبیخ و تنبیه مدیران سوگندخورده پیمان‌شکنی که در برابر این انحرافات مماشات می‌کنند، روشن نیست. گاه حتی از بالاترین تریبون وزارت هم صداهایی به گوش می‌رسد که این نگرانی را تشدید می‌کنند. خاطره برخوردهای قانونی سازمان نظام پزشکی در گذشته‌های دور با این‌گونه انحرافات در پانوشت روزنامه‌ها و خاطره ماجرای دکتر حسن اهری هنوز از خاطره‌ها محو نشده است. گسترش قانونی چنین دفتر و دستک عریض‌وطویلی در حضور آن نظام پزشکی قدرتمند قابل‌تصور نبود. بنابراین انجمن‌های علمی در غیاب هرگونه مدافع جدی و بی‌رودربایستی حق دارند نگران روزی باشند که ممکن است همین تنها مسند کاملا بی‌توهم و همین تنها سنگر دفاع صریح از دانش طب هم روزی آن‌قدر تضعیف شود که قافیه را به منادیان شبه‌علم با تمام خطراتش ببازد.

در این جدل یک‌بار دیگر مقابله لعل و خزف* تداعی می‌شود. از یک‌سو متولی رسمی فناوری طب در کشور قرار دارد، استاد شناخته‌شده‌ای که مسلط بر دانش عملی طب و بر روش‌های تحقیقاتی است و بنیان‌گذار بسیاری از سیستم‌های درمانی آموزشی و تحقیقاتی کشور بوده و از طرف دیگر گروهی که هیچ‌کس در جوامع علمی پزشکی کشور نمی‌تواند کمترین فایده ملموس از کارهایشان را به یاد آورد. حتی یک نفر در جامعه پزشکی در یاد نمی‌آورد که حتی برای یک‌بار در درمان یک بیمار براساس منطق و دانش احساس نیاز به کمک‌خواستن از این ناوگان عظیم پرطمطراق سنتی کرده باشد و این در حالی است که صداقت در مشورت که با این مجادله به شکلی توهین‌آمیزی زیر سؤال می‌رود، جزء اساسی‌ترین ارزش‌های آموزش‌داده‌شده در دانش طب است. گویا ممکن است پزشکان حقیقتی را در جایی به نفع بیمارانشان ببینند و آن را انکار کنند! آن‌هم به‌خاطر منافع خود. آیا چیزی توهین‌آمیزتر از این را می‌توان تصور کرد؟ جامعه پزشکی کشور، انجمن‌های علمی و خیل عظیم پزشکان ایرانی که در داخل و خارج کشور با نگرانی شاهد و نظاره‌گر این روندها، تخریب موریانه‌وار دانش در کشور خود هستند، تنها یک درخواست مطرح می‌کنند؛ در برابر تمام هزینه‌هایی که کشور برای تأسیس انجمن و دانشکده و معاونت یا دفتر طب سنتی می‌پردازد و خیل عظیم کسانی که اوقات خود را به این کار می‌گذرانند، فقط یک مورد را نشان بدهند که در تشخیص یا پیشگیری یا درمان، این دانش کاذب بر دانش طب پیشی گرفته باشد؛ کاری را توصیه کند که خارج از دانش طب باشد و با آخرین سیستم‌های تحقیقاتی روز دنیا (و نه با روش‌های ذهنی غیراستاندارد) تأثیر آن به اثبات رسیده باشد، تنها و تنها یک بیمار را نشان بدهند که بادکش و زالو او را از مرضی که دانش طب قادر نبوده، رهانیده است. اگر چنین موردی وجود ندارد که ندارد، پس در پس این هیاهوی بسیار برای هیچ چه چیزی نهفته است؟

پی‌نوشت:

*** جای آن است که خون موج زند در دل لعل/ زین تغابن که خزف می‌شکند بازارش**

رسانه

درس‌های کمپین «نجات رسانه‌های چاپی» برای ایران

پژمان موسوی

بالاخره روز موعود فرارسید و جهان، خطر نابودی قریب‌الوقوع رسانه‌های چاپی را حس کرد؛ خطری که نه‌تنها در صورت عدم رسیدگی فوری، حیات رسانه‌های چاپی را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند به نابودی صدها هزار شغل و رواج فضای هرج‌ومرج در سپهر رسانه‌ای جهان هم منتهی شود. آن روز موعود، هفته پیش از راه رسید؛ آن زمان که ده‌ها انجمن و اتحادیه معتبر جهانی، خطر نابودی رسانه‌های مکتوب را به‌صراحت و دقت با افکار عمومی جهان در میان گذاشتند؛ اما ریشه‌های هم‌گرایی جهانی برای تشکیل کمپین «نجات رسانه‌های چاپی» چیست؟ آیا همه‌چیز به کرونا و تاخت‌وتاز پرقدرت آن در جهان برمی‌گردد؟ آیا اگر کرونا نبود، این کمپین تشکیل نمی‌شد؟ واقعیت این است که کرونا، تمام این ماجرا نیست و مسئله اصلی، رواج گسترده رسانه‌های آنلاین و دیجیتال و جولان شبکه‌های اجتماعی در فضای رسانه‌ای جهان است و کرونا، تنها حکم تیر خلاص را در این قضیه داشت.

حالا دیگر چند سالی می‌شود که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین، به‌عنوان پلتفرم‌هایی جایگزین و البته ارزان، کم‌وبیش جای رسانه‌های چاپی را گرفته‌اند و در کنار مزایایی که دارند، آسیب‌های فراوانی به سپهر رسانه‌ای جهان تحمیل کرده‌اند. مهم‌تر از این، رسانه‌های جدید مستقیم یا غیرمستقیم درپی القای این حس مشترک به مخاطبان هستند که دیگر دوره رسانه‌های مکتوب گذشته و هرچه نامش آینده است، در اختیار ماست و رسانه‌های چاپی سهمی از این «آینده» در اختیار ندارند. شاید همین تمامیت‌خواهی است که یک دوقطبی کاذب را در سپهر رسانه‌ای جهان حاکم کرده و روزنامه‌نگاران و فعالان حوزه رسانه را در دو سر طیف قرار داده است که اگر جز این بود، هم مدافعان رسانه‌های مکتوب و هم فعالان رسانه‌های آنلاین، هرکدام کار خود را می‌کردند و راه خود را می‌رفتند و کسی به دنبال حذف آن دیگری نبود. کرونا هم که همه‌گیر شد، مخالفان رسانه‌های چاپی مثل کسانی که یار کمکی یافته‌اند، با تمام توان از فرصت این یار کمکی بهره بردند و جهان آینده را یکسره در کنترل شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین تصویر کردند. همین هم شد که کمپین «نجات رسانه‌های چاپی» از سوی اتحادیه‌های جهانی به نمایندگی از ۲۱ میلیون کارگر و هم‌زمان با اوج‌گیری بحران کرونا، در سطحی وسیع در همه کشورهای جهان منتشر شد. فعالان این کمپین، با بیان اینکه رسانه‌های چاپی به‌عنوان تجربه‌ای سترگ از گذشته‌ای پرافتخار، کالایی عمومی است، از دولت‌ها خواسته‌اند که بسته حمایت از رسانه‌های چاپی ارائه دهند. UNI و IFJ، به‌عنوان دو تشکل بزرگ بانی این کمپین، با برشمردن فجایع حاصل از تداوم وضع کنونی، به کاهش درآمد تبلیغات رسانه‌های چاپی به‌عنوان یکی از مضرات دوران جدید اشاره کرده‌اند و اعلام کردند تنها در سال جدید، آگهی‌های رسانه‌های چاپی ۲۰ درصد کاهش داشته است و این، در کنار خطر تعطیلی نشریات چاپی، مجموعا صدها هزار شغل را در آستانه نابودی قرار داده است. مالیات‌گرفتن از شرکت‌های بزرگ فناوری مثل آمازون، فیس‌بوک و گوگل با استدلال «ضرورت تقسیم درآمد»، از دیگر درخواست‌های این کمپین جهانی برای حفاظت از رسانه‌های چاپی است. این درخواست آخر، گویی درد مشترک همه روزنامه‌نگاران و رسانه‌های چاپی آنهاست؛ دردی که از محصولی آماده پرده برمی‌دارد که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین، به‌آسانی و مثل آب‌خوردن، از آنها کپی می‌کنند، بی‌آنکه حقوقی از این کپی، به رسانه‌های چاپی برسد. آنها کلیک می‌خورند، دیده می‌شوند، آگهی می‌گیرند و به تداوم حیات رسانه‌ای می‌پردازند و رسانه‌های تولیدکننده این محتوا که از قضا چاپی و مکتوب هم هستند، باید نظاره‌گر نابودی خود باشند.

این کمپین یک پیام مستتر هم برای روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای ایران داشت؛ اینکه همیشه هم درخواست کمک از دولت‌ها چیز بدی نیست و گاه لازم است کمپین‌های مستقل و مدنی، از دولت‌ها به‌عنوان سیاست‌گذاران کلان، درخواست حمایت کنند و مسیر را از رهگذر این درخواست، برای جامعه مدنی هموارتر کنند. به نظر می‌رسد ما روزنامه‌نگاران ایرانی دلبسته به رسانه‌های چاپی باید مثل «آنتونی بلانگر»، دبیرکل فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، خطاب به دولت‌مان بگوییم: نمی‌توانید فقط از بالکن‌های خود ناظر غرق‌شدن این کشتی باشید، به یاری رسانه‌های مکتوب و چاپی بشتابید.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان کرمانشاه (سهامی خاص)

تجدید فراخوان مناقصه عمومی(یک مرحله ای)

شماره مجوز:۳۴۱۹-۱۳۹۹
نوبت اول

شرکت گاز استان کرمانشاه در نظر دارد مناقصه عمومی به شماره ۲۰۹۹۰۰۱۳۳۹۰۰۰۰۴۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تجدید نماید.
موضوع مناقصه: واگذاری خدمات دفتری و منشی گری ، تنظیفات و باغبانی اداره مرکزی، انبار کالا، اجرای طرحها و ساختمان اداری سی متری و ساختمان فنی و ومهندسی شرکت گاز استان کرمانشاه به مدت یکسال شمسی. **شماره مناقصه:**۲۰۹۹۰۰۱۳۳۹۰۰۰۰۵۱ شرکتهای متقاضی دارای گواهی نامه صلاحیت معتبر از وزارت کار و امور اجتماعی و نیزگواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران می توانند درصورت داشتن ظرفیت مجاز کاری ، کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها را، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) پیگیری نمایند. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
مبلغ برآورد:۳۴،۳۶۵،۵۷۷،۰۰۰ ریال. **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۱،۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال. **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه** ۹۹/۰۶/۳۱ می باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت:۱۶:۰۰روز دوشنبه مورخ۹۹/۰۷/۱۴. **مهلت زمانی ارائه پیشنهاد :**ساعت: ۱۶:۰۰ روز یکشنبه مورخ۹۹/۰۷/۲۷.
زمان بازگشایی پاکات:ساعت: ۹:۳۰ روز دوشنبه مورخ۹۹/۰۷/۲۸.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس:کرمانشاه، میدان آزادی، ابتدای بلوار شهید بهشتی شرکت گاز استان کرمانشاه طبقه اول اتاق ۲۱۵ یا پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی (WWW.NIGC-KSh.ir) مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت گاز استان کرمانشاه

دانشگاه شهید بهشتی

آگهی واگذاری ساختمان دکتر بهرون

دانشگاه شهید بهشتی در نظر دارد یکباب ساختمان به همراه مستغلات با زیربنایی به متراژ ۱۴۰۶ متر مربع در ۶ طبقه و ۱ طبقه زیرزمین را در زمینی به مساحت ۲۸۴ متر مربع دارای موتورخانه ، رادیاتور و کولر و آسانسور ، که در حال حاضر به صورت خوابگاه دانشجویی اداره می گردد را از طریق مزایده عمومی جهت اجاره واگذار نماید.
آدرس ملک جهت بازدید: خیابان فرصت شیرازی ، نرسیده به دکتر قریب ،نبش خیابان یوسف پلاک ۲
متقاضیان می توانند جهت شرکت در مزایده از تاریخ درج این آگهی به مدت ده روز پیشنهادات خود را با ذکر مشخصات فردی وتلفن ، درون پاکت در بسته و لاک و مهر شده به همراه تکمیل مدارک ذیل تحویل دفتر مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی دانشگاه داده و رسید دریافت کنند.
مدارک مورد نیاز:
-کپی کارت ملی و پایان خدمت و شناسنامه .
- سازمانها، نهادها و شرکت ها با معرفی نماینده تام الاختیار.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.
دانشگاه در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است
واجدین شرایط دقت داشته باشند که مشمول قانون منع مداخله کارکنان دولت درمعاملات دولتی مصوب۱۳۳۷ بند ۵۱ نباشند و اگر خلاف این امر ثابت شد مسئولیت آن را عهده دار خواهند بود .

مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی

م الف ۲۰۵۹

دودکش باید محکم روی دستگاه قرار گرفته باشد و دچار لقی نشود

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان البرز (سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی فشرده دو مرحله ای
(خرید اتصالات فولادی (زانو) ۹۹۳۰۰۰۷–تجدید مناقصه)

شماره مجوز۱۳۹۹۳۳۸۳
نوبت دوم

شرکت گاز استان البرز در نظر دارد مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی "خرید اتصالات فولادی۹۹۳۰۰۰۷" مناقصه به شماره نیاز درسامانه ستاد (۲۰۹۹۰۰۱۴۰۲۰۰۰۰۳۹) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی(دولت) برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه گر دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه انجام نمایند، تاریخ انتشار مناقصه در سامانه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۲می باشد. **مبلغ برآورد اولیه** ۷،۷۵۲،۰۰۰،۰۰۰ریال **مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** مطابق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ به مبلغ ۳۸۷،۶۰۰،۰۰۰ریال **آخرین زمان بارگزاری اسناد توسط مناقصه گزار در سایت** تا ساعت:۱۶:۰۰روزچهار شنبه ۹۹/۰۷/۰۹ **آخرین زمان بارگزاری اسناد توسط مناقصه گر در سایت تا ساعت** ۱۶:۰۰روزچهار شنبه ۹۹/۰۷/۲۳ **زمان بازگشایی پاکتها (ازطریق سامانه ستاد)** گشایش پاکت " الف ، ب ": ساعت : ۰۹:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۹۹/۰۸/۰۶ گشایش پاکت "ج":ساعت:۰۹:۰۰روز یکشنبه تاریخ ۹۹/۰۸/۱۱ مناقصه گران نیز می توانند جهت کسب اطلاعات از دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت مراحل پیمان سپاری در خصوص اسناد مناقصه به آدرس: کرج ، میدان طالقانی ، بلوار تعاون ، خیابان فرهنگ ، روبروی تربیت ۶، شرکت گاز استان البرز و تلفن: ۱۴۳-۳۴۱۸۷۱۴۶ نمابر : ۰۲۶۳۲۵۲۰۸۶۸ مراجعه و یا تماس حاصل نمایند. **شرایط مناقصه گر:**ارائه تاییدیه وزارت نفت و یا شرکت ملی گاز ایران در خصوص اقلام موضوع مناقصه توسط مناقصه گران الزامی میباشد **اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :**مرکز تماس :۴۱۹۳۴-۰۲۱ **دفتر ثبت نام :** ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸ اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها ، درسایت سامانه (WWW.setadiran.ir) ، بخش " نام "/ پروفایل تامین کننده / مناقصه گر "موجود است ، **مدت اعتبار پیشنهادات:** ۳ماه تقویمی درصورت صلاحدید مناقصه گزار جهت یک دوره سه ماه تمدید خواهد شد.

روابط عمومی شرکت گاز استان البرز